خبر

روحانی در گفت‌وگو با اردوغان:

به برجام عمل کنند، ایران هم به تعهدات خود عمل خواهد کرد

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی تلفنی با رئیس‌جمهوری ترکیه با اشاره به اظهارات رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا درباره بازگشت این کشور به توافق برجام عنوان کرد: ما بارها بر این مسئله تاکید کرده‌ایم که اگر طرف‌های مقابل ما در این قرارداد به تعهدات خود عمل کنند، ما هم به تعهدات خود عمل خواهیم کرد.رجب طیب اردوغان نیز در این گفت‌وگوی تلفنی با تسلیت شهادت دانشمند ایرانی، این اقدام تروریستی را به‌شدت محکوم کرد و گفت: بدون تردید این حمله تروریستی، صلح و آرامش منطقه ما را هدف قرار داده است.او با اشاره به شرایط جدید بین‌المللی و آغاز دوره جدید در دولت آمریکا گفت: امیدوارم در دوره دولت جدید آمریکا، ذهنیت مبتنی بر تهدید و تحریم جای خود را به گفت‌وگو، همکاری و تعامل با کشورها بدهد.همچنین رئیس‌جمهور در مراسم افتتاح طرح‌های وزارت نیرو خطاب به سایر قوا ازجمله مجلس، قوه قضائیه و نیروهای مسلح عنوان کرد: برادران عزیز که در کشور مشغول خدمت هستید، همه باید دست به دست هم دهیم تا در کشور امید و ثبات ایجاد کنیم. هیچ عجله نکنیم و هول نشویم که کاری انجام دهیم. اشکالی ندارد اگر دولت موفقیتی به دست آورد، آن موفقیت را تقدیم شما می‌کند. غصه نخورید که دولت مسائل را حل کرده و تمام می‌کند. روحانی ادامه داد: ما دست همه کسانی را که به فکر کمک به مردم هستند، می‌بوسیم. مسائل با حوصله و خردورزی حل خواهد شد. بگذاریم کسانی که تجربه بیست‌وچندساله دارند و در دیپلماسی موفق بوده و آمریکا را در این سه سال بارها و بارها شکست داده‌اند، کار را با تأنی و دقت پیش ببرند. شما هم کمک کنید. سایر قوا هم نیت خیر دارند و می‌خواهند کارها را سریع‌تر انجام دهند، اما با هم مشورت کرده و هماهنگ باشیم و کارها را پخته‌تر پیش ببریم.

واعظی با اشاره به مصوبه اخیر مجلس:

شاید دبیرخانه شورای امنیت ملی هماهنگی یواشکی کرده باشد

● **برنا:** رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور درباره اینکه برخی در ماجرای ترور شهید فخری‌زاده دست به تخریب دولت می‌زنند و دولت را مقصر و ترور را به موضوع برجام گره می‌زنند، گفت: همواره در این هفت، هشت سال گذشته گروه‌هایی وجود داشته‌اند که اصلا برایشان مهم نیست موضوع بحث چه باشد، هر مطلبی که در کشور اتفاق بیفتد، اعم از مطلب سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، اینها به دولت حمله می‌کنند و این موضوع برای دولت روشن است.واعظی ادامه داد: شهید فخری‌زاده عضو دولت و وزارت دفاع بود و از همکاران دولت به‌شمار می‌رفت. زیرمجموعه دولت فقط وزرا نیستند، بلکه شامل مجموعه عظیمی از مدیران در سراسر کشور هستند که مورد حمایت قرار می‌گیرند و رابطه نزدیک با دولت دارند. شهید فخری‌زاده حسابش با دیگران فرق می‌کرد؛ همکاری‌های مختلفی با دولت داشت. ازجمله اینکه ایشان، نشان خدمت را از رئیس‌جمهور دریافت کرد. البته در آن زمان به دلیل مسائل امنیتی، اسم ایشان را اعلام نکردیم و عکسی هم منتشر نشد.. واعظی در رابطه با اظهارنظر سخنگوی هیئت‌رئیسه مبنی بر اینکه نظر دولت مهم نیست با دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی مشورت کردیم، افزود: رئیس شورای عالی امنیت ملی آقای رئیس‌جمهور است، مجلس هیچ هماهنگی‌ای با شورای عالی امنیت ملی نکرده است. می‌گویند که با دبیرخانه هماهنگی کرده‌اند، دبیرخانه که به تنهایی جایگاهی ندارد. اعتبار دبیرخانه به این است که مطالبش در شورای عالی مطرح شود، وگرنه دبیرخانه چند کارمند هستند و هیچ شأنی ندارند؛ ضمن اینکه دبیرخانه ممکن است هماهنگی‌هایی را به صورت یواشکی انجام داده باشد، ولی اجازه از رئیس‌جمهور نگرفتند و از خود شورا هم اجازه نگرفته‌اند.

در گفت‌وگو با «شرق»

تپه‌های اوین و بیژن جزنی به روایت بهزاد نبوی

جزنی، شعاعیان را مارکسیست آمریکایی می‌دانست

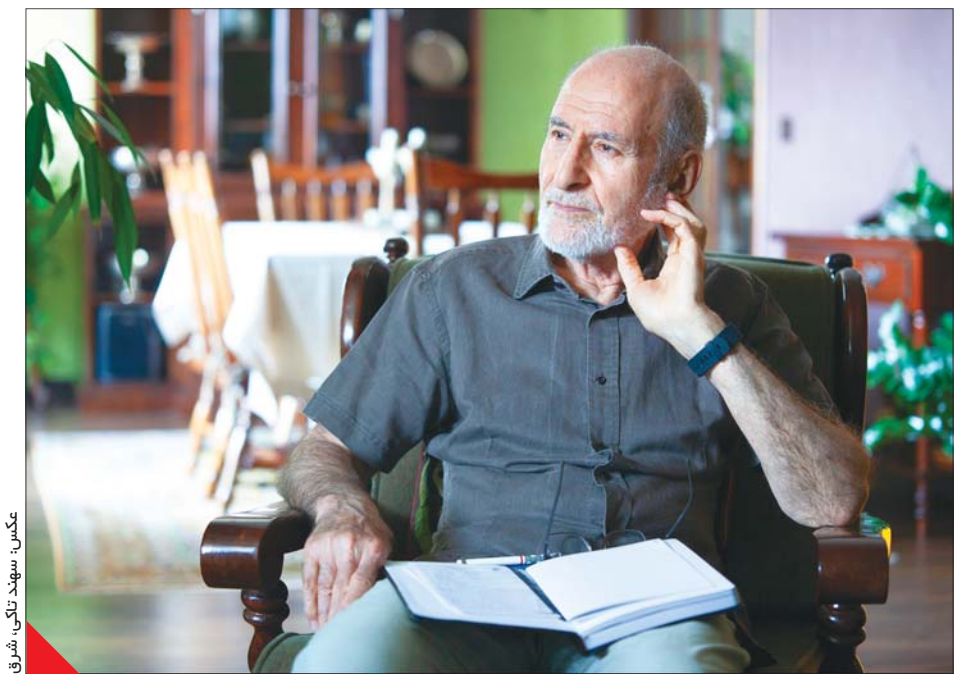

عکس: سهند تاکی، شرق

امیرحسین جعفری: شنبه، سی‌ام فروردین ۱۳۵۴، خبر کوتاه، دردناک و دروغین بود؛ کیهان نوشت ۹ زندانی حین فرار از زندان کشته شدند و سه سال بعد با پیروزی انقلاب و دستگیری جلادان ساواک، در اعتراف‌های فریدون توانگری ملقب به آرش گفته شد ۹ نفر، آقایان بیژن جزنی، کاظم ذوالانواری، مصطفی جوان‌خوشدل، عباس سورکی، محمد چوپان‌زاده، احمد جلیلی‌افشار، عزیز سرمدی، حسن ضیاظریفی و سعید کلانتری را به تپه‌های اوین برده و به رگبار گلوله بسته‌اند. بیژن جزنی از نظر خانوادگی پدر(حسین جزنی) و مادرش (عالم‌تاج کلانتری‌نظری) از اعضای حزب توده در دهه۲۰ بودند، اما پدرش در سال ۱۳۲۵ همراه فرقه دموکرات از ایران به سمت شوروی گریخت که باعث کدورتی میان بیژن و پدرش شد. بیژن از ۱۱سالگی با حلقه‌های دانش‌آموزی مربوط به حزب توده ارتباط گرفت و اولین‌بار در سال۱۳۳۳ به شش ماه زندان محکوم شد. در مجموع او تا زمان اعدامش ۹ بار دستگیر شد، اما به دلیل ضعف سیستم شهربانی در دهه۳۰ و اوایل دهه ۴۰، هر بار با نام مستعار پرونده‌های قبلی خود را در محکومیت‌های بعدی بی‌اثر می‌کرد. او پس از آزادی از اولین دستگیری، در یک شرکت تبلیغاتی مشغول به کار شد. جزنی در عین حال که یک انقلابی بود، به نقاشی نیز علاقه داشت و چندین تابلو از او هنوز در دست همسرش مهین موجود است. جزنی که فضای سیاسی بعد از کودتای ۲۸ مرداد را تجربه کرده بود، با ملی‌ها و بازمانده‌های حزب توده همکاری داشت. او آرام‌آرام تدارک مبارزه مسلحانه و تأمین سلاح را در دستور کار گروه قرار داد. زمانی که جزنی همراه با یکی دیگر از اعضای گروه به نام «سورکی» اسلحه‌های تهیه‌شده را به همراه داشتند، به دام پلیس افتادند. به دنبال این اتفاق، چند نفر دیگر از یاران جزنی نیز بازداشت شدند و در دادگاه، دادستان نظامی ابتدا برای جزنی و هفت نفر دیگر تقاضای حکم اعدام کرد، اما آنان در نهایت به ۱۵ سال زندان محکوم شدند. جزنی تا فروردین ۱۳۴۸ در زندان قصر بود، اما در پی فرار نافرجام یارانش از زندان، به قم تبعید شد و پس از عملیات نظامی سیاهکل، به اوین منتقل شد. هرچند جزنی در دوران زندان تحت فشارهای شدید و شکنجه‌های فراوان قرار گرفت، اما در همین دوره مجموعه مقالاتی از زندان به بیرون داد که در ساختار ایدئولوژیک سازمان متبوعش تأثیرگذار شد. بیژن جزنی در اواسط اسفند ۱۳۵۳ پس از چند سال تبعید به زندان اوین بازگردانده شد. اعدام هفت فدایی و دو مجاهد، عملی بود که در آن زمان تصور نمی‌شد و به‌نوعی می‌توان این حرکت را چراغ سبز شاه به آمریکا در راستای قدرت در مقابله با جریان چپ نامید. هرچند کاظم ذوالانواری و خوشدل از آن دسته مجاهدینی بودند که هیچ ارتباطی با جریان مارکسیستی از نظر فکری نداشتند؛ آن‌هم دقیقا زمانی که شاه حزب رستاخیز را پس از سفرش به آمریکا تأسیس کرد. بااین‌حال علت اصلی اعدام این ۹ نفر هنوز از ابهامات تاریخ است. هرچند مشخص نیست مستقیما این تصمیم از سوی چه کسانی گرفته شده بود، اما تیمی که به نتیجه برای اعدام جزنی رسید، به‌خوبی فهمیده بود چه شخصیت محوری را در جریان چپ باید هدف قرار دهد. برای بررسی حیات سیاسی بیژن جزنی، ساعتی را با بهزاد نبوی، عضو کمیته دانشجویی جبهه ملی در دهه ۴۰، از دست‌اندرکاران نشریه پیام دانشجو و عضو تیم مصطفی شعاعیان، به گفت‌وگو نشستیم. نبوی پیش از انقلاب به علت همکاری با شعاعیان و مبارزه مسلحانه به زندان افتاد و حین دستگیری نیز از سیانور استفاده کرد که زنده ماند. چند سال بعد از اعدام جزنی، با پیروزی انقلاب از زندان آزاد شد و تشکلی با نام سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را به همراه دوستانش تشکیل داد. او در دولت رجایی مشاور امور اجرائی، در دولت مهندس موسوی وزیر صنایع سنگین و بعد از گذار از دهه ۶۰ نماینده مجلس ششم شد. مشروح این گفت‌وگو را بخوانید.

با بیژن جزنی از چه زمانی و کجا آشنا شدید؟ آیا با هم همکاری داشتید؟

در دوره دانشجویی من عضو جبهه ملی ایران شدم. مرحوم جزنی هم در دانشگاه فعالیت سیاسی می‌کرد و با بعضی اعضای آن جبهه که گرایش‌های طرفداری از حزب توده داشتند، ارتباطاتی داشت. البته در جبهه ملی اعضا در صورت اعلام رسمی و علنی مارکسیست‌بودن و طرفداری از حزب توده، امکان ادامه عضویت نداشتند. سابقه آشنایی من با مرحوم جزنی از کمیته دانشجویان جبهه ملی ایران در سال ۱۳۳۹ است؛ آن زمان من عضو کمیته دانشجویی جبهه ملی بودم، اما تا جایی که اطلاع دارم جزنی جزء این کمیته و عضو رسمی جبهه ملی نبود. ایشان آدم شناخته‌شده‌ای بود و دوستانی داشت که با هم در جبهه ملی همکاری می‌کردند. طبیعی است با توجه به گرایش‌های ملی‌مذهبی و ضدتوده‌ای من، ارتباط ویژه‌ای بین من و مرحوم جزنی در دانشگاه و حتی بعد از آن وجود نداشت و تنها از اواخر سال ۱۳۵۲ تا اواخر سال ۱۳۵۳ در زندان قصر با ایشان هم‌بند بودم و در آن دوره هم ارتباط ویژه سیاسی با آن مرحوم نداشتم.

آیا شناختی از آرمان‌های جزنی داشتید و نظرتان درباره ایده‌های او چه بود؟

برداشت من این است که ایشان یک مارکسیست با گرایش طرفدار شوروی و حزب توده و ضدمائو بود و خودش هم این مسئله را کتمان نمی‌کرد. در زمانی که بین چین و شوروی اختلاف‌های شدیدی به وجود آمده بود، جزنی گرایش طرفدار شوروی را می‌پسندید و مخالف مارکسیست‌های چینی بود.

نقش جزنی در نشریه پیام دانشجو چه بود؟

پیام دانشجو ارگان کمیته دانشجویی جبهه ملی دوم بود. این نشریه زیر نظر کمیته دانشجویی اداره می‌شد و مسئول مستقیم آن تا جایی که به یاد دارم مرحوم حسن حبیبی بود و اطلاعی ندارم پیام دانشجو ارتباطی با جزنی داشته باشد. به هر حال همیشه آقای حبیبی با ما درباره مطالب پیام دانشجو تماس می‌گرفت و اگر مسائلی درباره نشریه داشت، به ما رجوع می‌کرد.

گویا پیش از انقلاب در راستای مبارزات انقلابی شما با مصطفی شعاعیان همراه بودید و یک بحث تاریخی مطرح است که گویا شعاعیان قصد ادغام در سازمان چریک‌های فدایی خلق را داشت و جزنی مخالف بود. روایت این داستان چیست؟ نظر جزنی چه بود و چرا این اتحاد شکل نگرفت؟

من با شعاعیان در کمیته دانشجویان پلی‌تکنیک در جبهه ملی آشنا شدم و ارتباط من با او نزدیک بود و تقریبا ارتباطی با آقای جزنی نداشتم. بعدها که جبهه ملی دوم منحل شد، به همراه شعاعیان جبهه دموکراتیک ملی را تشکیل دادیم و وارد مبارزه مسلحانه شدیم. من از ارتباط شعاعیان با جزنی خبر ندارم که چه زمانی مسئله اتحاد این دو مطرح بوده است؛ چراکه سازمان چریک‌های فدایی خلق تا وقتی آقای جزنی در سال ۴۶ بازداشت شود، شکل نگرفته و اعلام موجودیتی نکرده بود؛ البته ممکن است ارتباطی بین مارکسیست‌های داخل جبهه ملی به وجود آمده بوده؛ ولی هنوز سازمان چریک‌های فدایی خلق اعلام موجودیتی نکرده بود. آقای شعاعیان در دوران فعالیت جبهه ملی ممکن است با آقای جزنی ارتباطاتی داشته؛ اما تاآنجایی‌که من اطلاع دارم همدیگر را قبول نداشتند. بیژن جزنی، مصطفی شعاعیان را مارکسیست آمریکایی می‌دانست و شعاعیان هم جزنی را متمایل به حزب توده می‌دانست که با آن حزب به‌شدت مخالف بود و حتی نوشته‌های زیادی علیه حزب توده و شوروی داشت و قاعدتا نمی‌توانست با آقای جزنی ارتباط فکری و تشکیلاتی داشته باشد؛ اما چرا جزنی به شعاعیان مارکسیست آمریکایی می‌گفت؟ به علت تحلیلی بود که شعاعیان از امپریالیسم مسلط بر ایران در آن دوره داشت؛ شعاعیان معتقد بود کودتای ۲۸ مرداد یک کودتای انگلیسی-آمریکایی بوده و از حمایت آمریکا بهره‌مند شده است. شعاعیان معتقد بود می‌شود از تضاد آمریکا و انگلیس در ایران از نظر کاهش سلطه انگلیس استفاده کرد و معتقد بود مرحوم مصدق در جریان ملی‌شدن صنعت نفت از این تضاد بهره برده است و فقط وقتی انگلیس توانست آمریکا را با خودش از جهت ترساندن آمریکا نسبت به حاکمیت حزب توده در ایران همراه کند، موفق شد موافقت آمریکا را برای سقوط مصدق بگیرد. این تحلیل شعاعیان نشان می‌داد که معتقد است شوروی و حزب توده عملا هم‌پیمان انگلیس و عامل پیروزی کودتای ۲۸ مرداد بودند و شوروی به خاطر اینکه آمریکا در ایران حضور پیدا نکند، حاضر بود با انگلیس وارد معامله و مانع حضور آمریکا شود. حزب توده هم که عامل بی‌اختیار شوروی در ایران بود، تلاش می‌کرد طوری نشان دهد که اگر مصدق روی کار باشد، کمونیست‌ها ایران را تحت کنترل درخواهند آورد تا به این شکل انگلیس بتواند آمریکا را برای کودتا راضی کند. این تحلیلی که شعاعیان داشت، طبیعی بود که مورد قبول آقای جزنی با گرایش توده‌ای نبود و ایشان را متهم به مارکسیست آمریکایی می‌کرد. آقای شعاعیان هم چون جزنی نزدیک به شوروی بود، او را قبول نداشت و بعید می‌دانم این دو نفر در هیچ دوره‌ای به دنبال وحدت بودند.

بحث مارکسیست اسلامی که درباره شعاعیان مطرح می‌شد، از کجا می‌آمد؟

هیچ وقت درباره شعاعیان صحبت مارکسیست اسلامی نشد، مارکسیست اسلامی مربوط به مجاهدین خلق بود که مسلمان‌ها آنها را به علت ایدئولوژی التقاطی‌شان مارکسیست اسلامی می‌نامیدند و به قول مجاهدین خلق مارکسیست‌شده، هسته تفکرات‌شان مارکسیستی و پوسته‌اش اسلامی بود. شعاعیان رسما اعلام می‌کرد مارکسیست است که البته ارتباطش با بچه‌های مسلمان خیلی بیشتر و بهتر از دیگر مارکسیست‌ها بود.

چرا ناگهان شاه تصمیم گرفت این ۹ نفر را اعدام کند؟ شما با کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان‌خوشدل هم آشنایی داشتید؟

این را که چگونه یکباره چنین تصمیمی گرفته شد، من نمی‌دانم. آن چیزی که من می‌دانم، این است که از اواخر سال ۵۲ که من را به زندان قصر بردند و با بچه‌های مسلمان و مارکسیست‌ها هم‌بند شدم، البته ظاهرا در تابستان ۵۲ یعنی زمانی که من در سلول انفرادی بودم، یک سرکوب شدید در زندان قصر صورت می‌گیرد، قبل از آن به قول زندانی‌های سیاسی، زندان قصر منطقه آزاد شده بود و پلیس حق نداشت وارد بندها شود و حاکمیت با زندانیان سیاسی بوده است؛ ولی از تابستان ۵۲ با اقدام پلیس و ایجاد خوف و وحشت در داخل زندان شرایط عوض می‌شود و وقتی اسفند ۵۲ به قصر رفتم، شرایط متفاوتی بود؛ مثلا اگر دو نفر با هم ارتباط سیاسی می‌گرفتند و پلیس می‌فهمید برخورد و تبعید و انفرادی صورت می‌گرفت. ما برای اینکه جلسات سیاسی داشته باشیم، یک کتاب باز می‌کردیم که مثلا داریم دو نفری کتاب می‌خوانیم که اغلب پلیس گوش می‌کرد که داریم کتاب می‌خوانیم یا حرف سیاسی می‌زنیم. در همان شرایط زندانیان مسلمان و مارکسیست زندان قصر فعالیت گسترده سیاسی داشتند و از طریق ملاقات خانواده‌ها ارتباط ارگانیکی با بیرون برقرار بود. تا اواخر ۵۳ من یک سال در زندان قصر بودم که در اسفند آن سال عده‌ای از زندانیان قصر را بیرون بردند. همه ما را سوار مینی‌بوس‌هایی کردند و به زندان اوین تبعید کردند. در آغاز به سلول‌های انفرادی جدید اوین فرستاده شدیم. سلول‌هایی که دستشویی داخل سلول بود؛ چون از طریق رفتن به دستشویی زندانی‌ها با هم ارتباط می‌گرفتند و برای قطع این ارتباط دستشویی داخل سلول درست کرده بودند. انفرادی ما یک‌ماهی طول کشید و نوروز ۵۴ را بدون هیچ‌گونه ارتباطی در آنجا بودیم. فکر می‌کنم اواخر فروردین ما را از انفرادی به بند ۲ زندان عمومی اوین منتقل کردند. به‌هرحال ما به بند ۲ وارد شدیم در بند عمومی هم که بودیم، هیچ‌گونه ارتباطی با بیرون نداشتیم. فقط روزی دو ساعت هواخوری داشتیم. دقیقا همان روزی که وارد بند شدیم، یک روزنامه به ما دادند که خبر کشته‌شدن ۹ تروریست در حال فرار نوشته شده بود که معلوم شد بیژن جزنی و دوستان همفکرش و از مجاهدین خلق هم مصطفی جوان‌خوشدل و کاظم ذوالانوار بوده‌اند، درحالی‌که تا آنجایی که ما خبر داشتیم، این ۹ نفر هم همراه ما به اوین آورده شده بودند؛ یعنی کسانی به اوین آورده شدند که فعالان زندان قصر بودند تا بر دیگر زندانی‌ها تأثیرگذار نباشند و این‌گونه متوجه شدیم که آن ۹ نفر اعدام شدند و کلا یک روز روزنامه به ما دادند که آن هم برای خبر اعدام این ۹ نفر بود و علت اعدام هم به نظر می‌رسید که برای زهر چشم گرفتن از ما و بقیه زندانیان سیاسی بود تا حساب کار دست بقیه بیاید و بفهمیم کشتی‌بان را سیاست دگر آمد... . با مرحوم خوشدل و ذوالانوار هم در یک‌سالی که زندان قصر بودیم، آشنا شدم. جزء بهترین‌های مجاهدین خلق بودند؛ به‌ویژه آقای خوشدل خیلی آدم خالص و خاکی‌ای بود. آقای ذوالانوار هم پسر خیلی خوبی بود و شباهتی به رجوی نداشتند.

ارتباط جزنی با جریان مذهبی چگونه بود؟ به نظر شما عدم اعدام جزنی باعث کاهش تنش میان نیروهای مارکسیست و مذهبی می‌شد؟

جزنی چنین نقشی نه خودش برای خودش قائل بود و نه بچه‌های مسلمان برای او قائل بودند، جزنی جزء آن افرادی بود که گرایش مارکسیستی عمیقی نسبت به حزب توده داشت و نمی‌توانست چنین نقشی را ایفا کند و اعدام جزنی فقط برای زهرچشم گرفتن بود؛ چون سمبل نیروهای چپ بود و نفوذ زیادی بین بخشی از چریک‌های فدایی خلق داشت و خیلی از آنها خودشان را شاگردان جزنی می‌دانستند؛ بنابراین اعدامش به این خاطر بود که نیروهای مارکسیست طرفدار شوروی را اصطلاحا بی‌پدر کنند، به‌هرحال این تلاش برای ضربه‌زدن به تشکل‌های داخل زندان بود.

اعدام آن ۹ نفر چه تأثیری بر روند مبارزه داشت؟ چون بعد از آن تغییر ایدئولوژی مجاهدین هم اتفاق می‌افتد، نظر شما چیست؟

تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق که هیچ ارتباطی به این قضایا ندارد، به دلیل اینکه ایدئولوژی سازمان یک ایدئولوژی التقاطی مارکسیستی-اسلامی بود و تناقض و تضاد در آن بروز می‌کرد و همه آنهایی هم که مارکسیست شده بودند و در زندان با آنها صحبت می‌کردیم، می‌گفتند ما آخر حرف‌هایمان مارکسیستی است که یک روکش اسلامی روی آن وجود دارد و هسته حرف‌های ما مارکسیستی است. بعد از این ماجرا خصوصا در زندان اوین یک جو خفقانی حاکم شد و خیلی از زندانی‌ها که آنجا بودند، نگران شدند که بلایی که سر آن ۹ نفر آمده، سر دیگران هم بیاید که یک عده را به ظاهر فراری دهند و بکشند به این دلیل به نظر می‌رسد خصوصا زندانی‌های غیرمسلمان دست‌به‌عصاتر راه می‌رفتند. در نیمه دوم ۵۴ هم مرتب بازجوهای ساواک زندانی‌های سیاسی را می‌خواستند و با آنها گفت‌وگوهای سیاسی می‌کردند و انتظار داشتند آن اعدام و خفقان در زندان تأثیر گذاشته باشد.

یک خاطره شنیده‌نشده از دوران زندان برای ما بگویید.

درحال‌حاضر ۴۲ سال است که از زندان شاه آزاد شده‌ام و خاطره‌ام زیاد یاری نمی‌دهد، مع‌الوصف دو خاطره دارم که شاید قبلا هم نقل کرده باشم. اولین خاطره مربوط به روزهای اول دستگیری من است. پیش از دستگیری با شناسنامه جعلی به نام حمید جهان‌بین صادره از اردبیل زندگی می‌کردم و سعی داشتم با لهجه ترکی صحبت کنم تا به شناسنامه‌ام مربوط باشد. در روزهای اول دستگیری‌ام خودم را حمید جهان‌بین معرفی می‌کردم و فارسی را با لهجه ترکی صحبت می‌کردم. یک روز در دوران شکنجه به گمانم رسولی بازجوی ساواک در انتراکت کابل به کف پایم، شروع کرد به آوازخواندن «دیشب رفته بودم سقاخونه...».

ادامه در صفحه ۴

ادامه از صفحه اول

مواضع اولیه ایران و آمریکای بایدن درباره برجام

توماس فریدمن که بایدن با او گفت‌وگو کرده، چهار روز قبل خواستار آن شده بود که دولت بایدن از تحریم‌های موجود به‌عنوان اهرم فشاری برای واداشتن ایران به تغییر برنامه موشکی و سیاست منطقه‌ای استفاده کند. هفته گذشته نیز وال‌استریت ژورنال از قول چند دیپلمات اروپایی بدون ذکر نام مضمون مشابهی را به‌عنوان نظر سه کشور اروپایی مطرح کرد. تأکید بایدن در گفت‌وگو با فریدمن تحول مثبتی است و حاکی از این است که او در کسوت پیروز انتخابات و با علم به دیدگاه‌های متفاوت بر دیدگاه خود تأکید کرده است.

۲- اما موضع بایدن درباره لزوم مذاکرات بیشتر بعد از تعلیق تحریم‌ها برای اصلاح برجام و پرداختن به برنامه موشکی ایران و رد قاطع هرگونه مذاکره مجدد درباره برجام از سوی دکتر ظریف اختلاف درخورتوجهی است. این اختلاف این سؤال را پیش می‌آورد که آیا آمریکا اصرار خواهد کرد که بازگشتش به برجام و تعلیق تحریم‌ها موکول به دریافت تضمینی از ایران برای مذاکرات بعدی خواهد بود یا خیر. چنین اصراری می‌تواند نخستین مانع در برابر پیشرفت کار باشد.

۳- مورد اختلافی دیگری که از سخنان بایدن و ظریف مستفاد می‌شود، درباره تقدم و تأخر اجرای تعهدات از سوی دو کشور است. از سخنان بایدن چنین برمی‌آید که نخست ایران باید احتمالا تحت نظارت آژانس به تعهدات خود برگردد و سپس آمریکا تحریم‌ها را تعلیق کند؛ اما برداشت از سخنان ظریف می‌تواند نقطه مقابل آن باشد؛ به این معنی که نخست آمریکا باید تحریم‌ها را بردارد و سپس ایران اقدام به بازگشت به تعهدات خود کند. یک اهمیت این موضوع احتمالا از نظر وقت‌گیربودن بازگشت ایران به تعهدات خود است. اهمیت دیگر آن از نظر تداعی شرایط مشابهی در زمان اجرای برجام در ۱۳۹۴ است. در آن زمان نیز مشکل مشابهی وجود داشت و نهایتا بعد از اجرای تعهدات ایران و تأیید آژانس طرف مقابل شروع به اجرای تعهدات خود کرد.به‌علاوه، در جریان تعاملات دیپلماتیک ممکن است موانع و مشکلات بیشتری رخ دهد. اینکه کنگره و مشخصا سنای آمریکا چه برخوردی با موضوع خواهد داشت، هنوز روشن نیست. پیروزی احتمالی جمهوری‌خواهان در انتخابات پنجم ژانویه در جورجیا و کنترل آنها بر سنا می‌تواند پیچیدگی‌های جدیدی را برای دولت بایدن به طور کلی موجب شود. اینکه اسرائیل و کشورهای عربی از یک سو و متحدان اروپایی از سوی دیگر چگونه برخورد خواهند کرد و دولت بایدن چه بهایی به نظرات آنها خواهد داد، نکته ناروشن دیگر در این معادله است. بااین‌حال اگر اراده سیاسی در دو دولت باشد، به نظر می‌رسد که پیچیدگی‌ها و موانع موجود دیر یا زود برطرف خواهند شد.

خطر نارضایتی اقتصادی مردم

بعد از اعلان رسمی افزایش ناگهانی قیمت حامل‌ها از سوی سران سه قوه، نمایندگان مجلس قبل از اولین جلسه علنی، حرف از طرح‌های دوفوریتی و سه‌فوریتی برای توقف افزایش قیمت می‌زدند، اما ظاهرا با صحبتی که با نمایندگان شد، خبری از این تصمیمات نشد. مگر همین صحبت را نمی‌شد قبل از تصمیم سران با نمایندگان انجام داد و به شیوه قانونی در لایحه بودجه سال ۹۹ یا روش تقنینی دیگری از کانال مجلس موضوع را ختم به خیر کرد و از ضربه ناگهانی به نقطه جوش مردم جلوگیری به عمل آورد. آیا مسئولان امنیتی کشور نمی‌دانستند و در تحلیل‌های خود به این نتیجه نرسیده بودند که جامعه چه شرایطی دارد؟ اتفاقا باید به عواملی که منجر به بروز اعتراضات فراگیر می‌شود، بیشتر توجه کرد. برای نمونه، مسئله مؤسسات مالی که به گفته رئیس سابق قوه قضائیه ۳۷ هزار میلیارد پول مردم را چپاول کردند، اما وقتی صدای اعتراض سپرده‌گذاران از تجمع جلوی دفاتر مؤسسات مالی خطاکار به راهپیمایی خیابانی منتهی شد، اولیای امور به فکر درمان مسئله برآمدند و به گفته آقای رئیس‌جمهور «دست در جیب مردم کردند» و از خزانه، تعهدات مالی مؤسسات خطاکار را پرداخت کردند. اگر آن تصمیم به‌موقع که زیان بالایی را به جامعه بار کرد، گرفته نمی‌شد، مدت‌ها قبل اعتراض‌های سپرده‌گذاران مؤسسات خاطی که به سطح خیابان‌ها کشیده شده بود، فراگیرتر از اعتراضات مشهد و سپس کل کشور و آبان سال ۹۸ می‌شد. هم‌اکنون نقطه نگرانی دیگری با اقدامات انجام‌شده و تصمیمات بن‌بست‌شکن گرفته نشده، در مورد بورس در شرف تکوین است. از اواخر سال گذشته و زمانی که مردم هنوز از بهت حوادث آبان و وقایع بعد از آن و کرونا خارج نشده بودند، همه دست‌اندرکاران اقتصادی کشور بر طبل بورس کوبیدند و ناگهان فضای کشور به گفته یکی از دوستان «بورسی» شد و رادیو و تلویزیون و دیگر بلندگوها به وسیله مسئولان دولتی از رئیس‌جمهور گرفته تا وزرای اقتصادی و غیراقتصادی، بورس را ختم‌الدوای سفره خالی مردم دانستند اما سهامداران امروز به‌عنوان مال‌باخته جلوی بورس تجمع کرده و خواستار استعفای این و آن شدند.آدرس جدید را دادم تا اولیای امور به‌جای دعوت به صبر و اینکه سرمایه‌گذاری در بورس و توقع سود آنی را نداشته باشید، نمی‌تواند مرهمی بر زخم شکست‌خوردگان بورسی باشد.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت دولتی پالایش گاز پارسیان

آگهی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران

شماره مجوز: ۱۳۹۹،۵۰۵۱

نوبت دوم

شرکت پالایش گاز پارسیان در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای خرید آهن آلات به شماره ۲۰۹۹۰۹۲۴۱۶۰۰۰۰۲۴را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۸ می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد .

مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: ساعت : ۱۸:۳۰روز سه شنبه تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی : ساعت : ۱۸:۳۰روز پنج شنبه تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : آدرس استان فارس- شهرستان مهر- شرکت پالایش گاز پارسیان (کد پستی: ۷۴۴۹۱۸۴۸۳۱) و تلفن ۳۶ الی ۵۲۷۲۴۱۳۴-۰۷۱

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :

مرکز تماس : ۴۱۹۳۴- ۰۲۱ **دفتر ثبت نام :** ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

روابط عمومی شرکت دولتی پالایش گاز پارسیان

نوبت اول: ۹۹/۹/۱۲ نوبت دوم: ۹۹/۹/۱۵